



پنجشنبه ۸ خردادماه تالار وحدت میزبان کنسرت آنلاین علیرضا قربانی بود. اجرایی که به فاصله چند روز از کنسرت پر حاشیه همایون شجریان بر گزار شد. از این‌رو آنچه بارها در تبلیغات پیش از اجرا بر آن تأکید شد و خود قربانی نیز پنجشنبه شب به آن اشاره کرد، رایگان بودن این کنسرت بود. موضوعی که در رسانه‌ها بسیاری بازتاب داشت و باعث مقایسه اجراهای قربانی و شجریان با یکدیگر شد. اما از این نکته نباید غافل بود که حامیان مالی این دو خواننده با یکدیگر تفاوت داشتند. علیرضا قربانی در ادامه اجرایی که از اول نوروز به همت شهرداری تهران بر گزار می‌شد روی صحنه تالار وحدت رفت. برنامه‌ای که میزبان هنرمندانی چون علی‌زندو کیلی، امید حاجیلی و محسن شریفیان بوده و از ابتدا نیز رایگان بر گزار می‌شده‌است. همچنین نکته دومی که درباره اجرای کنسرت علیرضا قربانی مطرح می‌شود، نمایش آن از چندین پلتفرم مختلف بود، اتفاقی که پیش از این برای اجراهایی که شهرداری تهران حامی آن بود، رخ داده‌بود. از این‌رو برای اتفاقاتی که در کنسرت علیرضا قربانی رخ داده‌است نمی‌توان واژه اولین بار را گذاشت. در هر حال کنسرت این خواننده پنجشنبه شب بر گزار شد و او منتخبی از قطعاتش را برای مخاطبان اجرا کرد که با استقبال خوبی از سوی مخاطبانش همراه شد. طرفداران قربانی در صفحه اینستاگرام این خواننده از کیفیت خوب این کنسرت و قطعاتی که او برای اجرا انتخاب کرده بود قدردانی کردند، درحالی‌که این اتفاق تنها پس از پایان کنسرت آنلاین همایون شجریان نیفتاد، بلکه هواداران این خواننده موسیقی اصیل ایرانی به‌دلیل اشکالات فنی سایت حامی مالی برنامه اخیرش با ثبت‌نظر تشان در صفحه اینستاگرام همایون، مراتب اعتراض خود را رسانه‌ای کردند. همچنین «بامن بخوان» در صفحه اینستاگرام قربانی در دسترس تمام هواداران او در داخل و خارج از کشور است؛ اتفاقی که انتظار می‌رفت در صفحه اینستاگران همایون شجریان نیز شاهدش باشیم، اما رایگان نبودن کنسرت «تسیم وصل» این امکان را از هواداران او سلب کرد. هر چند ۷۱۰هزار نفر به‌صورت کامل در روز نخست کنسرت همایون شجریان در چهارم خرداد موفق به‌تماشای کنسرت او شدند، اما ۵۱۷هزار نفر نیز از این کار بازماندند و باوجود پرداخت هزینه تنها موفق به تماشای بخش‌هایی از این کنسرت شدند. در نهایت، در قیاس نحوه برگزاری کنسرت همایون شجریان و علیرضا قربانی نیز نمی‌توان از آن ۱۰هزار تومانی که از مردم برای تماشای «تسیم وصل» دریافت شد چشم‌پوشی کرد؛ مبلغی که اگرچه ناچیز به‌نظر می‌رسد، اما در ازای یک‌میلیون و دویست هزار نفری که تنها در روز نخست برای تماشای این کنسرت اقدام کردند، ۱۲میلیارد تومان مابه‌ازای مالی برای بر گزار کنندگان کنسرت «تسیم وصل» داشته است.

● از «نیست شو» تا «روزگار غریب»

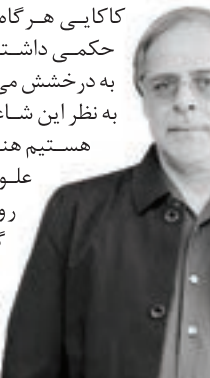
قربانی این اجرا را با خواندن قطعه «نیست شو» آغاز کرد و برخلاف همایون شجریان که در کنسرت‌هایش تنها با زبান موسیقی سخن می‌گوید درباره آثارش و حس و حال خود از این اجرا سخن گفت: «بسیار خرسندم که بار دیگر این فرصت پیش آمد تا بتوانم این بار در فضای مجازی همراه شما مخاطبان علاقه‌مند موسیقی باشم. من امروز به این موضوع فکر می‌کردم که کرونا چه مصیبت‌ها و بلاهایی در همه‌جای دنیا به وجود آورده است اما با این حال فضای مجازی باعث شده تا حدودی روی این مشکلات مرهم گذاشته شود. این کنسرت نیز برای ما تجربه جدیدی است که خیلی‌ها برای برگزاری آن تلاش کردند و من از همه آن‌ها قدر دانی می‌کنم.» بوی گیسو»، «روزگار غریب»، «عاشقانه نیست»، «پل»، «عشق آسان ندارد»، «رغوان» و «چهارراه استانبول» دیگر قطعاتی بودند که در این کنسرت آنلاین اجرا شدند. «مدار صفر درجه» نیز از قطعات پایانی این اجرا بود. قربانی که این آهنگ را به مرحوم آتشین بدالهی ترانه‌سرای اثر تقدیم کرده‌بود، به دلیل اشتباه خواندن شعر آن سریع اجرا را قطع و دوباره آن را خواند. او همچنین در پایان این برنامه قطعه «روزگار غریب» را به دلیل درخواست مخاطبانش در فضای مجازی دوباره با همکاری گروهش اجرا کرد. این قطعه با شعر احمد شاملو به صورت آوازی خوانده شد. به گفته قربانی قطعه «روزگار غریب» در سال گذشته ۴۶ بار اجرا شده و همچنین دلیل انتخاب نام تور سال گذشته این خواننده یعنی «بامن بخوان» نیز همین قطعه بوده‌است. از این‌رو و با یادآوری اینکه سال گذشته مردم با تمام قدرت این قطعه را در کنسرت‌ها با او می‌خواندند از مخاطبانش درخواست کرد: «من امسال از این همراهی بهره‌مند نیستیم. دلم می‌خواهد همان گونه که در خانه هستید این قطعه را با ما بخوانید و حتی از این همراهی برای ما فیلم بگیرید تا همراهی شما را حس کنیم.»

انتقاد کاکایی از شعرهای سروده شده در سیره حضرت علی(ع)

عبدالجبار کاکایی درباره کیفیت شعر معاصر در موضوع سیره حضرت علی (ع) توضیحاتی ارائه داده‌است. به نظر این شاعر و ترانه‌سرا شعر گفتن درباره موضوعات آیینی مستلزم اطلاعات و آگاهی است و زمانه‌ای را می‌خواهد که در آن حرف‌های نو یا حرف‌های درست و درمانی از سوی اندیشمندان، حکما و اهل علم گفته شود.او در گفت‌وگو با ایسنا با تأکید بر اینکه در

زمانه ما بیشتر به احساسات دامن زده می‌شود تا افکار می‌گوید: «آنچه در رسانه‌ها عرضه می‌شود و شب و روز از تلویزیون می‌بینیم، دامن زدن به احساسات است و چیزی به نام تحلیل سیاست، شخصیت و توجه به نثر و بلاغت امام علی(ع) وجود ندارد.» به گفته

کاکایی هر گاه جامعه تحرک فکری و حکمی داشته باشد، ادبیات هم شروع به درخشش می‌کند. به نظر این شاعر در روزگاری که ما در آن هستیم هنوز حرف درخشانی از شعر علوی بیرون نمی‌آید، همان روایت‌هایی که پیش‌تر گفته شده برمی‌دارند و به عنوان مداحی روی منابر می‌خوانند. تلویزیون و رادیو هم همین‌ها را



غلامرضا زوزنی
r.zouzani@shahrarnews.ir

تازه‌ترین فیلم کوتاهی که امیرمسعود سهیلی آن را ساخته موفق شده در بیش از ۱۰۰ جشنواره بین‌المللی حضور یابد. «فیلمرغ» محصول مشترک ایران و افغانستان است که این فیلم‌ساز جوان مشهدی آن را در افغانستان تولید کرده و همچنان با این فیلم در حال درنوردیدن جشنواره‌های خارجی است. «فیلمرغ» ششمین فیلم سهیلی جوان است که بیش از فیلم‌های دیگرش، همچون «بچه‌های بهشت» و «چشم آبی»، افتخار آفریده‌است. از جمله جوایزی که این فیلم کوتاه کسب کرده می‌توان به جایزه جشنواره ملی فیلم کوتاه «حسنت» و جشنواره بین‌المللی فلامینگوی ایتالیا اشاره کرد.

امیرمسعود، برادرزاده سعید سهیلی، سینماگر نامدار مشهدی، و برادر امیراطهر سهیلی، فیلم‌ساز مشهدی است. او در خانواده‌ای رشد کرده که همواره سینما و تئاتر و فیلم‌سازی نقل محافلش و هنر جزو کارهای روزمره آن بوده‌است. او دقیقاً یادش نمی‌آید از چه زمانی به فیلم‌سازی روی آورده اما می‌گوید از همان کودکی با فضای فیلم و فیلم‌سازی آشنا بوده و با سینما صورت حرفه‌ای فیلم‌سازی را پیش می‌گیرد و کارش را از دستیار کارگردانی آغاز می‌کند. بعد هم که مثل خیلی از علاقه‌مندان به تولید فیلم‌های کوتاه می‌سازد. بااین حال، امیرمسعود سهیلی تحصیلاتش را تا مقطع کارشناسی در رشته حقوق در دانشگاه فردوسی دنبال می‌کند و بعد از آن به سراغ فیلم‌سازی می‌رود. بعد از اینکه فیلم‌های کوتاهش دیده می‌شود می‌تواند



سقوط یک فرشته

نگاهی به «تیغ و ترمه» آخرین ساخته کیومرث پوراحمد

شخصیتی آن‌ها، یعنی خرویف کردن اولی و دائم‌الخمر بودن دومی، از همان ابتدا حدس زدنی است. بدبختانه «تیغ و ترمه» در طراحی موقعیت‌ها و مدیریت گره‌های فیلم‌نامه هم به شدت سست و بی‌تعهد عمل می‌کند؛ به طوری که در مواردی حتی از فیلم‌های تلویزیونی و سریال‌های دمدستی هم عقب می‌ماند. پوراحمد ۲۵ سال پیش با موقعیت‌هایی که در «خواهران غریب» خلق کرد، روح مخاطب زمانه‌اش را جلا داد و کمی بعدتر متن یک سریال ساده تلویزیونی را چنان جفت‌وبست‌دار و درهم‌تنیده نوشت که «سرنخ» تبدیل به یکی از بهترین آثار جنایی تلویزیون تا آن زمان شد.

«تیغ و ترمه» اما، در پرداخت موقعیت‌ها چنان گنگ و فکر نشده عمل می‌کند که نیمه اول فیلم عملاً نکته انحرافی آن محسوب می‌شود، دو سه شخصیت قابل حذف به نظر می‌رسند و بخش‌های مختلفش آن قدر لبق و بی‌منطق کنار هم چیده شده‌اند که ظاهراً تدوین فیلم از جشنواره تا اکران کاملاً دگرگون شده است. گره‌گشایی‌های باورنکردنی «تیغ و ترمه» هم ابتدا نه ربطی به پرداخت شخصیت‌ها در مابقی فیلم دارد و نه با منطق دراماتیکی و قواعد حاکم بر مدیوم سینما سازگار است. ظاهراً اهکار فیلم‌ساز برای حل معضلات متعدد اثر خود، استفاده یک شخصیت مستقل و گنجاندن او در قصه به منظور گره‌گشایی بوده‌است؛ بدین ترتیب خاتم منشی جوان که در همه سازمان‌ها

است. «تیغ و ترمه»، پیش از هر چیز، به دلیل فیلم‌نامه ضعیفش زمین می‌خورد که ظاهراً فرآیند دگرگون شدن از رمان به فیلم‌نامه را به سهل‌انگاره‌ترین شکل ممکن و صرفاً از سر رفع تکلیف پشت سر گذاشته‌است. آدم‌های ماقبل تیپ و مقوایی فیلم‌گویی فقط از یک اسم و یک صورت تشکیل شده‌اند که انبوهی از ویژگی‌های کارتونی و به‌هم‌ریخته آن‌ها را احاطه کرده‌است. کارگردانی که قبلاً در پرداخت شخصیت متبحر نشان می‌داد و می‌توانست در فیلم سیاه و سفید «توبوس شب» از خسرو شکیبایی (با یک زیرپوش و پیژامه پشت فرمان اتوبوس) شخصیتی پیچیده و عمیق بسازد، حالا با مجموعه رنگارنگی از عناصر زندگی شهری هم نمی‌تواند آدم‌هایش را از حد مترسک‌بودن فراتر ببرد. اساساً شخصیت‌های «تیغ و ترمه» هیچ‌گونه پیچیدگی ندارند و برای اینکه مخاطب هم نمی‌تواند آدم‌هایش را از حد مترسک‌بودن فراتر ببرد. اساساً شخصیت‌های «تیغ و ترمه» هیچ‌گونه پیچیدگی ندارند و برای اینکه مخاطب

دو اثر ادبی مهم نمی‌تواند فیلمی با این کیفیت نازل را نجات دهد.

«تیغ و ترمه» که نخستین بار در سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد، به لحاظ مضمونی، اثری جدی و معتزانه نسبت به شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه است که به بدترین شکل ممکن برای فرم گرفتن دست‌وپا می‌زند. تلاش نافرجام پوراحمد برای تولید نسخه به‌روزرسانی شده «شب پلدا» در عصر جدید، فارغ از ضعف‌های اجرایی و هنری متدش، موضع شجاعانه و لحن گزنده‌ای دارد که از معدود نقاط قوت آن است. در سینمایی که مخاطب دیگر به تماشای تصویر مظلوم، مطلقاً پاک، مهربان و البته انثارگر زن عادت کرده، اینکه یک کارگردان مسن و در ظاهر به انتها رسیده، جرئت پروراندن شمایل یک مادر خودخواه مشغول بهره‌کشی از دو عضو دیگر خانواده‌اش را به خودش داده، بی‌نفسه امری ستودنی و اعتناپذیری است؛ همان رویکرد آوانگارد و قابل احترامی که قبل‌تر از پوراحمد سراغ داشتیم و در یکی دو دهه اخیر کاملاً به فراموشی سپرده شده بود. «تیغ و ترمه» اما ضعیف‌تر از آن است که کسی بتواند مضمونش را جدی بگیرد. ساختار ناشیانه اثر، نه‌تنها رویکرد فکری کارگردانش را به یاد داده، بلکه زمینه پدایش نوعی طنز ناخواسته و تمسخر فیلم از سوی مخاطب را هم ایجاد کرده

محمد عنبرسوز

زندگی با سینما

اکران آنلاین فیلم‌های ایرانی در ایام تعطیلی سینماها همچنان ادامه دارد و اخیراً اکران اینترنتی فیلم تازه کیومرث پوراحمد، کارگردان سابقه‌سینمای ایران، واکنش‌های منفی زیادی را برانگیخته‌است. پوراحمد هنوز هم بعد از این همه سال، به خاطر «قصه‌های مجید»، محبوب قلب عموم ایرانیان است؛ با این حال، مخاطب نمی‌تواند ضعف‌های عجیب و غریب «تیغ و ترمه» را، به واسطه مهری که سال‌هاست از خالقش در دل دارد، نادیده بگیرد.

کیومرث پوراحمد یکی از معدود کارگردان‌های ایرانی علاقه‌مند به اقتباس است. در حالی‌که اهالی جدی‌تر سینما سال‌هاست که نسبت به شکاف عمیق میان سینما و ادبیات هشدار می‌دهند، پوراحمد از سال‌های دور به اقتباس سینمایی از آثار مهم ادبیات ایران تمایل داشته و چند اثر اقتباسی درخشان هم در کارنامه‌اش به چشم می‌خورد. با این حال، اقتباس اخیر او از رمان «کی از این‌چرخ و فلک پیاده می‌شوم» نوشته گل‌رنگ رنجبر، نه تنها اثر اعتناپذیر و مهمی در سینما محسوب نمی‌شود، بلکه حتی به اعتبار رمان هم لطمه جدی وارد می‌کند. ارتباط عمیق خالق «تیغ و ترمه» با جهان ادبیات، به شکلی دزدگردد در سه مورد، به واسطه به کار بردن برخی تعبیر و انتخاب مناسب واژگان، برای مخاطب نکته‌سنج جلوه‌گر می‌شود؛ اما لحن شعاری و ناپخته عموم دیالوگ‌ها و استفاده ناشیانه و تزئینی از



عرضه می‌کنند. فکر می‌کنم که داد و ستد این بازار فعلای بیان احساسات و حرف‌های تکراری گذشته است. کاکایی می‌گوید: «اگر در شعرهای چند تن از شاعران آیینی که آثارشان شب و روز در صدا و سیما پخش می‌شود دقت کنیم، می‌بینیم که فعلاً فقط به زیاده‌گویی و مبالغه دامن زده می‌شود. انگار برای شخصی که شنونده این شعر است، تنها یک قهرمان را توصیف می‌کنند، و حکمت و اندیشه امام علی(ع) در شعر علوی وجود ندارد.»

تحصیلی‌مان به هنر ا تباطی ندارد. هرچه کسب کردیم تجربی بوده‌است. این‌طور نبوده که من اول درسش را بخوانم و بعد شروع به فیلم‌سازی کنم. بعد از اینکه به فیلم‌سازی روی آوردم و چند فیلم ساختم تحصیلات دانشگاهی را در سینما دنبال کردم. اتفاقاً در تحصیلات آکادمیک سینما خیلی جدی بودم. در مدرسه فیلم بوسان در کره جنوبی که جزو ۱۵ مدرسه فیلم برتر دنیااست سینما خوانده‌ام.

● **چقدر از تجربه بزرگ‌ترهای خانواده، مثل پدر یا عمو و برادرشان در ساخت فیلم‌هایتان کمک می‌گیرید؟**
 خوب است که به این موضوع اشاره کردید. جالب است بدانید در خانواده ما درست است که همه به هنر و سینما روی آورده‌اند، اما مدل کار این‌طور نیست که از هم در کارها کمک بگیرند. اساساً مدل کار، نوع و فضای کار ما با هم کاملاً متفاوت است. به همین دلیل هم خیلی با هم کار نمی‌کنیم. کمک در حد مشورت و هم‌فکری است. فیلم‌سازی‌هایمان مستقل است. اساساً مدلی که امیراطهر فیلم می‌سازد با سبک کاری من متفاوت است و کارهای کمیل با ما فرق دارد. باز شما می‌بینید که فیلم‌سازی همه ما با عمویم سعید سهیلی متفاوت است. فضا، فکر و سلیقه ما را نمی‌شود در یک الگوی واحد قرار داد. فیلمی که برادر دیگرم می‌سازد را هرگز من نمی‌سازم و سوزّه‌های من را هم هرگز برادرانم به سراغش نمی‌روند. می‌بینید که عمو سعید فیلم‌های گیشه‌ای سینمایی می‌سازد. خیلی هم خوب است. امیراطهر سینمای هنری خودش را دارد. کمیل بیشتر علاقه به مستند دارد. من هم به فیلم کوتاه علاقه دارم. فیلم‌های ما را نمی‌شود کنار هم گذاشت. اما درباره فیلم‌نامه‌ها با هم صحبت می‌کنیم. گاهی شده همکاری‌هایی را هم با یکدیگر داشته‌ایم، اما این‌طور نیست که لزوماً با هم کار کنیم.

● **واقعیت این است که بسیاری فکر می‌کنند موفقیت‌هایی که نسل جدید خانواده سینمایی سهیلی به دست می‌آورد به دلیل تلاش‌ها و موقعیت نسل پیشین آن‌هاست.**
 کار هنر مانند ساز بفروشی نیست. من بگویم پدرم هزار متر زمین داشته و ساخته و به ثروت رسیده، حالا بخشی از آن ثروت متعلق به من است. هنر این‌طور نیست. اما اگر فیلم خوب